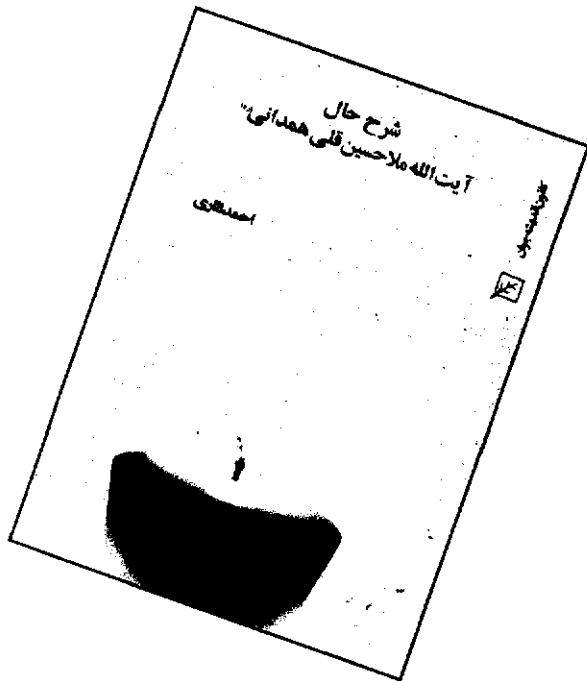
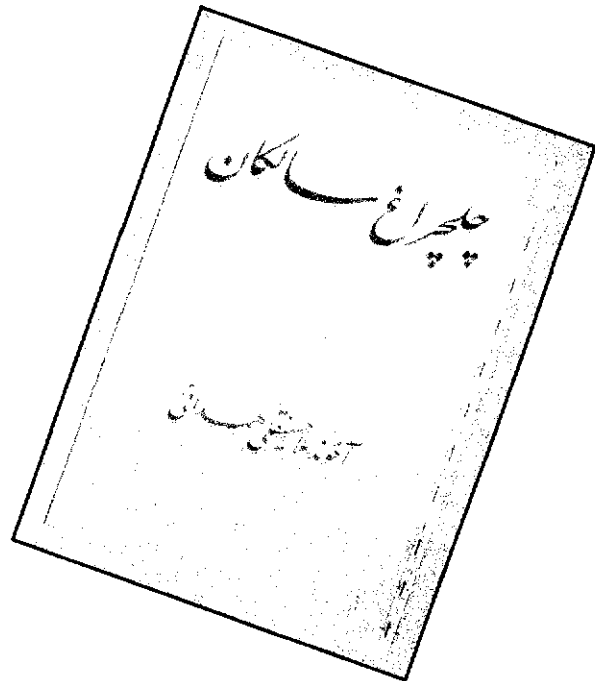


## سرقت عرفانی

محمد قنبری



شمع جمع، احمد نزاری، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۵



چلچراغ سالکان، محمد قنبری، انتشارات نهاوندی، قم، ۱۳۸۱

اندیشه جوان - که وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است - سرزدم و سراغ کتاب شمع جمع را گرفتم. با ورق زدن صفحات کتاب با کمال تعجب دیدم که عمده مطالب کتاب، همان هاست که در کتاب چلچراغ سالکان آورده ام. با تهیه کتاب، شبی را به قصد مقایسه دو کتاب صبح کردم و کلمه به کلمه آن را خواندم، هر چه بیشتر می خواندم کپی کاری ناشیانه تدوینگر کتاب مرا به شگفت وامی داشت؛ از این رو فهرستی از اشتباهات و به قول امروزی ها گاف های ایشان را - که از قضا فهمیدم مدیر یکی از بزرگ ترین بنگاه های نشر کشور است - تهیه کردم. وقتی تلفنی با وی سخن گفتم، چنین سرقت دم خروسی را انکار کرد و قسم جلاله می خورد که چنین کاری نکرده ام. حال تعدادی از اشتباه های نویسنده شمع جمع را یادآور می شوم تا بدانیم که با سرقت هم می شود، شرح حال یکی از استوانه های اخلاق را نگاشت و دستور مراقبه و مشارطه و محاسبه داد و گفت: طی این مرحله بی همری خضر مکن (شمع جمع، ص ۱۰۱).

حکایتی در کتاب داستان راستان نقل شده که شخصی اموال دیگران را می ربود و آن را انفاق می کرد و تصور می کرد که پس از کسر گناه یک کار بد، نه ثواب انفاق باقی است. حکایت فوق شرح حال بسیاری است که فکر می کنند هدف وسیله را مباح می کند و از هر راهی می خواهند خلق در راه مانده اسیر ظلمات هوای نفس را هدایت کنند و چراغی فراروی او روشن سازند و از کسانی باشند که روایات ایشان را به ثواب بسیار وعده داده اند، چون با رهنمونی خویش زمینه هدایت یک نفر را فراهم کرده اند. ذکر این چند سطر برای آن بود که بگویم در ایام برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب سری به پایگاه اینترنتی نمایشگاه زدیم تا ببینیم کتاب های مورد نظرم را در کجا می توانم پیدا کنم. در حال جستجو بودم که کتاب شمع جمع (شرح حال آیت الله ملاحسین قلی همدانی) توجه مرا به خود جلب کرد. چون در این موضوع کتابی به نام چلچراغ سالکان نوشته بودم، علاقه مند شدم این نوشته را هم از نظر بگذرانم. از همین رو وقتی به نمایشگاه رفتم، به غرفه کانون

چلچراغ فتوکپی می کرده یادش رفته کنار لفظ همان نام مصدر اصلی را بنویسد و چنین شده که سه حکایت مختلف کتاب چلچراغ (ص ۹۱، ۹۶ و ۹۹) به شهید مطهری نسبت داده شده است.

۵. در صفحه ۸۳ شمع جمع آمده است: استاد حسن زاده به نقل از علامه طباطبایی می گوید در رشته توحید نبودند...

معلوم نیست چه کسی در رشته توحید نبوده است. این مطلب کپی ص ۴۳ چلچراغ است. در آنجا درباره تفاوت های روش مرحوم ملافتحعلی سلطان آبادی و ملاحسینقلی از قول علامه طباطبایی چنین مطلبی گفته شده است، ولی جناب نویسنده با حذف صدر مطلب نقلی گنگ و بی معنار آورده است.

۶. در صفحه ۸۵ شمع جمع، پاراگراف دوم و سوم، نام مرحوم ملکی تبریزی و توضیح عبارت که در صفحه ۸۱ چلچراغ آمده، افتاده و هر دو قول آن مرحوم با شکلی بی ربط به علامه طباطبایی نسبت داده شده است.

۷. از دیگر نشانه های سرقه در شمع جمع آن است که در صفحه ۵۶ چلچراغ مطلبی از رساله لقاء الله آمده که ابتدای آن چنین است:

«ایام تعطیل ...». در رساله لقاء الله «ایام تحصیل ...» است و تعطیل غلط چاپی است. این غلط چاپی عیناً در صفحه ۸۵ آمده است.

۸. آنچه در صفحه ۸۵ شمع جمع آمده و به علامه طباطبایی نسبت داده شده و مصدر آن مجله حوزه شماره ۴ دانسته شده، بخشی از نامه مرحوم ملکی تبریزی به مرحوم غروی کمپانی است. ۹. بسیاری از مآخذ که در پاورقی نام برده شده در فهرست منابع کتاب نیست، همچون عرفان اسلامی حسین انصاریان، مجله حوزه، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر و ...

آنچه نقل شده، فقط گوشه ای از اشتباه ها در کپی کاری نویسنده محترم است، و الا در نسخه ای که از شمع جمع تهیه شده، تمامی مطالبی که عیناً کپی شده، مشخص شده و شماره صفحه آن در چلچراغ ذکر گردیده است.

گفتنی است نویسنده این کپی نامه به جز کتاب چلچراغ و جزوه کوچکی که خلاصه مقالات کنگره بزرگ داشت ملاحسینقلی همدانی است به مصدری مراجعه نکرده و تمام مطالب مرتبط را از این کتاب و جزوه برداشته است و مقداری مطالب عرفانی به آن اضافه کرده که معلوم نیست آنها را از کجا آورده است. شاید روزی کسی دیگر پیدا شود و معلوم شود نیم دیگر کتاب از کتاب او برداشته شده است.

شاید بهتر باشد در این مطالب اول سوزنی به خود بزنیم بعد دیگران را به همراهی خضر دعوت کنیم.

۱. یکی از مصادر کتاب چلچراغ سالکان کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر در صدر المتألهین اثر جناب آقای منوچهر صدوقی سها است. این کتاب را انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسانده است و در سال ۱۳۸۱ انتشارات حکمت آن را با عنوان تحریر ثانی تاریخ حکما و عرفای متأخر چاپ کرد که ویرایشی جدید از کتاب گذشته و همراه اضافاتی بود. در کتاب چلچراغ (صفحات ۵۸، ۹۵، ۹۹، ۱۰۳) به چاپ اول این کتاب ارجاع شده است و در فهرست منابع کتاب شمع جمع (ص ۱۲۵) تحریر ثانی آن ذکر شده است. در این صورت باید شماره صفحات ارجاع ها مطابق با چاپ جدید باشد، در حالی که می بینیم شماره صفحات پاورقی ها همان صفحات مندرج در چلچراغ (بر اساس چاپ اول) است، جالب تر آن که در صفحه ۱۰۳ چلچراغ شماره صفحه ارجاعی به جای صفحه ۱۳۳، صفحه ۳۳۱ درج شده و همین غلط چاپی در کتاب شمع جمع (ص ۴۱) هم آمده است.

۲. در صفحه ۴۱ شمع جمع در زیر عنوان «نیاز تو در قلب من است» حکایتی به نقل از شیخ محمد بهاری آمده است. این حکایت در صفحه «۱۰۶» کتاب چلچراغ تحت عنوان «آینه جهان نما» آمده است و مصدر آن کتاب خطی اخبار همدان اثر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین عندلیب زاده معرفی شده و با درجه کلمه مخطوط اشاره شده است که این کتاب خطی است نه چاپی.

کپی کار محترم در کتاب شمع جمع تصور فرموده است که مخطوط نام مستعار یا تخلص نویسنده است و در ارجاع آن را در پی نام مؤلف آورده است، بدین شکل:

حجة الاسلام و المسلمین حسین عندلیب زاده (مخطوط)، اخبار همدان.

طرفه این که در شماره ۳۵ فهرست منابع این اثر خطی را با کتاب چاپی پژوهشی درباره امامزادگان همدان اشتباه گرفته و مشخصات کتابشناسی آن را برای این نسخه خطی ذکر کرده است.

۳. در کتاب چلچراغ (ص ۵۰) مطلبی با اندکی تصرف از کتاب نهضت های اسلامی در صد سال اخیر استاد مطهری نقل شده که دلیل تصرف تناسب آن با مطلب کتاب بوده است. همین تصرف و شماره اشتباه پاورقی در صفحه ۲۹ شمع جمع هم درخور مشاهده است.

۴. در صفحه ۳۴ شمع جمع پاورقی پنجم نقل از مجموعه آثار شهید مطهری است. شگفت این که مطالب سرصفحه بعد هم پیایی با لفظ همان به کتاب شهید مطهری ارجاع شده است، در صورتی که گفتارهای ارجاعی برگرفته از کتاب های رساله لب اللباب، تاریخ حکما و ناگفته های عارفان است و مؤلف محترم ظاهراً لفظ «همان» را نفهمیده یا این که وقتی از صفحات کتاب

مرحوم ملکی، خود از رادمردانی است که تحت تربیت استاد سه چنین معرفتی از نفس رسیده است. چه بسا آن گونه که استاد مطهری می گوید: از حال خود خیر می دهد که این خود آگاهی، از عالم خواب آغاز می شود:

حد در گواه می گیرم که بعضی را می شناسد که در خواب، حقیقت نفسش بر او ظاهر گشته و دیده است که عوالم حاکمی متلاشی شده و به جای آن‌ها روح و نفس خود را مشاهده نموده، و نفس خود را با حقیقت ملک الموت متحد دیده و در همین حال از خواب بیدار شده و پس از بیداری مشاهده نموده است که روحش، بدنش را به سمت خود می کشد و از این امر وحشت نموده و با صدای بلند همسروش را صدا کرد که: فلائی! فلائی! یا این که این حال از او برطرف شد، و این حال همان «معرفت نفس» است و چنانکه در اخبار آمده است، راه تسخیرت خدا است.<sup>۱</sup>

استاد حسن زاده املی به نقل از علامه طباطبایی می گوید:

در رشته توحید بودند، هر چند با مرحوم آخوند ملاحسین نفسی معاصر بودند، ولی از اجتهاد آخوند ملاحسین نفسی در توحید، حق تبارک و تعالی، بی نظیر بودند. لذا مناسبات و مراداتی با هم داشتند.<sup>۲</sup>

مرحوم ملکی نیز در رساله *آفتاب*، مقدار خواب را از استاد خویش مرحوم آخوند چنین نقل می کند:

اما خواب، ریاضت آن را هم مرحوم عین آراگانه، آخوند است، تا در

۱. انسان کامل، ص ۳۹۲

۲. اسرار الصلوة، ص ۲۶۸

۳. نفس حسین، ص ۱۰۱، در اسمان معرفت، ص ۵۹

و در محضر مقدس الاهی، با ادب، همراه و ملازم باش و بدان که تو سراسر وجود و تمام حریت سیر قدرت لاهی هستی، لذا حرمت حضور او را رعایت کن. پیوسته متوجه عظمت حق و حقارت خویش، رفعت او و پستی خودت باش. و از زشتی غفلت خود در حضورش که پیوسته به تو توجه دارد، غافل مشو. می کن که عمل و ذکر و نماز، به محض زمان نباشد، و با حضور قلب باشد، که عمل بی حضور، اصلاح قلب نمی کند، اگر چه ثواب کمی دارد

عارف الاهی، مرحوم ملکی نیز در ضمن بیان حکمت غسل، این بحث مهم را با استفاده از بیانات استاد خویش مرحوم آخوند، چنین تقریر می کند:

از رسول خدا روایت شده است که توری در دل انگنده می شود و شرح صدر نوره آن است، و علامت آن کناره گیری از دار غرور و تامل به دار خلود است. بعضی از علما تحقیق گفته اند: مراد از آن نور، انور معرفت نفس است و آن عبارت است از این که: «ادمی حقیقت نفس خود را که مجرد از صورت و ماده است، و نوری دارای زندگی و غلبه است، ببیند. و همین نور معرفت است که در آخر مساجد شعبان بدان اشاره شده و می فرماید: *والحق یور عرک الایح فاکون لک عارفاً* چنان که بعضی از مشایخ گفته اند: هرگاه برای انسان نور معرفت نفس که سه وسیله آن امکان وصول به معرفت ذات اقدس حق حاصل می شود، تحقق یابد، سا این نور، ملکوت همه عوالم محسوس را خواهد دید و ملکوتی خواهد شد، چون روحانیت بر او غالب شود، در دار خلود وارد می گردد

۱. اسرار الصلوة، ص ۳۹۷

مرحوم علامه طباطبایی - که از سالکان این طریق بود - نقل می کند:

اکثر افرادی که موفق به نفس خواطر شده و توانسته اند ذهن خود را پاک و صاف نموده و از ظواهر ممتعا کنند، و بالآخره، سلطان معرفت برای آنان طلوع نموده است، در یکی از این دو حال بوده است: اول، در حین تلاوت قرآن مجید و التفات بر خواننده آن که چه کسی در حقیقت فوری قرآن است. آن وقت بر آنال منکشف می شده است که فوری خدا - جل جلاله - است و دوم از راه توسل بر حضرت *اباعبدالله الحسین (ع)*، زیرا آن حضرت را برای دفع حجاب و موانع طریق، نسبت به سالکین راه خدا عیاشی عظیم است.<sup>۱</sup>

هرقدر بتوانی روزه بگیر، به شرطی که شب، جای روز را پر نکنی.<sup>۲</sup> در تمام حالاتش خالی از حزن نباشد، اگر ندارد، به اسببش تحصیل نماید.<sup>۳</sup> آن هم حزنی که در جهت عدم وصول به مطلوب باشد.<sup>۴</sup>

شیخ (ره) به ما توصیه می نمود که هرگاه در مسائل علمی به مشکلی برخوردیم، به خدا پناه بریم و سه تصریح و زاری نبرد پروردگار متوسل شویم.<sup>۵</sup>

میرزا جواد آقا ملکی می فرمود:

ایام تعظیل که در محف اشرف مشرف بودیم، جناب عامل جلیل و

۱. رساله لبلیاب، ص ۱۵۰

۲. تذکره العتقین، ص ۱۹۷

۳. همان، ص ۱۷۸

۴. حوزه، ص ۶۷

۵. اسرار الصلوة، ص ۹۷

لک عارفه چنان که بعضی از مشایخ گفته اند: هرگاه برای انسان نور معرفت نفس - که به وسیله آن امکان وصول به معرفت ذات اقدس حق حاصل می شود - تحقق یابد، با این نور، ملکوت همه عوالم محسوس را خواهد دید، و منکونی خواهد شد، و چون روحانیت بر او غالب می شود، در دارخلود وارد می گردد.<sup>۷</sup>

مرحوم ملکی، خود از رادمردانی است که تحت تربیت استاد به چنین معرفتی از نفس رسیده است و چه بسا - آن گونه که استاد مظهری می گوید<sup>۸</sup> - از حال خود خیر می دهد که این خودآگاهی از عالم خواب آغاز می شود:

خدا را گواه می گیرم که بعضی را می شناسم که در خواب، حقیقت نفسش بر او ظاهر گشته و دیده است که عوالم جسمگی متلاشی شده و به جای آنها روح و نفس خود را مشاهده نموده، و نفس خود را با حقیقت ملک الموت متحد دیده و در همین حال از خواب بیدار شده و پس از بیداری مشاهده نموده که روحش بدنش را به سمت خود می کشد و او از این امر وحشت نموده و با صدای بلند همسروش را صدا نموده که: فلانی! فلانی! تا این که این حال از او بر طرف

۷. اسرار الصلوة، ص ۱۹۷.

۸. انسان کامل، ص ۳۴۴.

این مراقبت و درک حضور، در تمام ادکار و اعمال لازم است؛ چرا که بدون آن، عمل و ذکر به تنهایی نمی تواند قلب را اصلاح کند، و لذا آخوند سفارش می کند که:

سعی کن که عمل و ذکر به محض زبان باشد، و با حضور قلب باشد؛ که عمل بی حضور، اصلاح قلب نمی کند، اگر چه ثواب کمی دارد.

از نظر آخوند، مراقبت دالانی است که سالک الی الله را به معرفت نفس<sup>۹</sup> می رساند و همین خود آگاهی، سرمایه وصول به معرفت حق<sup>۱۰</sup> است.

عارف الهی، مرحوم ملکی تیریزی، در ضمن بیان حکمت غسل، این بحث مهم را با استفاده از بیانات استاد خویش مرحوم آخوند، چنین تقریر می کند:

... از رسول خدا روایت شده که نوری که نوری در دل افکنده می شود و شرح صدر مشرّفه آن است، و علامت آن، کنار گیری از دارغرور و اتنا به دارخلود است. بعضی از اهل تحسین گفته اند: مراد از آن نور، نور معرفت نفس است و آن عبارت است از این که: آدمی حقیقت نفس خود را که مجرد از هورت و ماده است، و نوری دارای زندگی و علم است، ببیند<sup>۱۱</sup>، و همین نور معرفت است که در آخر مناجات شعبانیه بدان اشاره شده و می فرماید: «والحقی بنورک الابهج فاکون

می گردد تا فکر برای سالک سودمند باشد:

از عقبه های کتودی که در این مرحله وجود دارد و عبور از آن روشی بخش بسیاری از معارف است، «نفس خواطر» است تا قلب، مسخر انسان گردد و به وسیله آن، ضمیر پاک گردد.

در این جا مرحوم آخوند ملا حسینقلی روشی دارند غیر از روشی که در رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم آمده است.<sup>۱۲</sup>

از نظر آخوند، سالک باید برای نفس خواطر، هر روز مقدار نیم ساعت یا بیشتر، توجه به نفس داشته باشد و در اثر توجه، رفته رفته خواطر از او نفی شده و به مقصود خواهد رسید.

مرحوم علامه طباطبایی - که از سالکان این طریق است - نقل می کند:

اکثر افرادی که موفق به نفی خواطر شده و توانسته اند ذهن خود را پاک و صاف نموده و از خواطر مصفا کنند و بالاخره،

سلطان معرفت برای آنان طلوع نموده است، در یکی از دو حال بوده است: اول، در حین تلاوت قرآن مجید و التفات به خواننده آن، که چه کسی در حقیقت قاری قرآن است. و در

آن وقت بر آنان منکشف می شده است که قاری خداست. جل جلاله... دوم، از راه توسل به حضرت ایا عبدالله الحسین (ع)، زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع

۱۲. رساله سیر و سلوک، ص ۱۷۳ - ۱۷۸.

طریق نسبت به سالکین راه خدا غنایی عظیم است.<sup>۱۵</sup>

موارد فوق، اصول کلی و امهات تذکراهای معرفتی و توصیه های سلوکی مرحوم آخوند است که البته سفارشهای فراوان دیگری نیز برای طی این در طریق نموده اند؛ چه نسبت به روزه که:

هر قدر بتوانی روزه بگیر، به شرطی که شب، جای روز را پر

نکنی.<sup>۱۶</sup>

و چه نسبت به حزن که:

در تمام حالاتش خالی از حزن نباشد. اگر ندارد، تحصیل

نماید به اسبابش.<sup>۱۷</sup>

آن هم حونی که در جهت عدم وصول به مطلوب باشد.<sup>۱۸</sup>

و چه نسبت به تضرع و زاری نسبت به حق، که میرزا جواد آقا می گوید:

شیخ (ره) به ما توصیه می نمود که هرگاه، در مسائل علمی به مشکلی برخوردیم، به خدا پناه ببریم و به تضرع و زاری نزد پروردگار متوسل شویم.<sup>۱۹</sup>

۱۵. رساله لب اللباب، ص ۱۵۰.

۱۶. تذکره الصغیر، ص ۱۹۷.

۱۷. همان، ص ۱۷۹.

۱۸. جزوه، ۴، ص ۶۷.

۱۹. اسرار الصلوة، ص ۹۷.

